

سرمقاله

آه از رفگان بی بازگشت

■ محمد هدیاتی

هوشنگ ابتهاج کارش را زمانی آغاز کرد که عرصه هنر صحنه دو تقابل مهم بود. تقابل شعر نو و کلاسیک، و دیگری تقابل سهمگین ادبیات متعهد با آنچه که ادبیات برای ادبیات، یا هنر برای هنر خوانده می شد. این زمینه بر زندگی و آثار ابتهاج سایه افکند. نزاع اول که بخصوص در دهه بیست و سی بسیار داغ بود فضای ادبی و روشنفکری را چندپاره کرده بود. ابتهاج در این نزاع تقریباً حد وسط را گرفت. شعر نو سرود با نظرگاهی کلاسیک و از این رو چندان هم‌مسیر نیما و شاملو نبود. هرچند در نهایت بسیاری او را شاعری سنتی می دانستند و در تحلیل شعرش گفته‌اند که هیچ نتوانست جهان بینی شعری شعر کلاسیک را پشت سر بگذارد و با منطق واقعی شعر نو خو بگیرد. شعرش را بسیار نزدیک به حافظ می دانند؛ البته در سطحی پایین تر. در نزاع دوم اما، رسانتش را در ادبیات متعهد جست، هرچند با وسواس بسیار نسبت به ملاخطات زیبایی شناختی. گفتن از مصائب اجتماعی در شعر ابتهاج با باوری راسخ به امید و به توان دگرگونی پیوند یافته است. باید تلاش کرد و ساخت. باید زنده بود. بسان رود که در تشبیه دره سر به سنگ می زند/ رونده باش/ امید هیچ معجزی ز مرده نیست/ زنده باش عاشقانه هایی زیبا سرود، با موسیقی شعر حیرت انگیز. شعرهایی گاه محزون که از فراقی تماشایی می گفتند و شوق وصال. مسائل اجتماعی را در اشعارش برجسته کرد. از استبداد گفت و عدالت. در واقع تنوع مضامین در شعر او در میان شاعران معاصر کم نظیر است. این ها همه هست. ابتهاج اما به خاطر یک خصیصه دیگر هم دوست داشتی است. او اسیر جو زمانه نشد و ایده ها و پرنسیپش را تا به آخر حفظ کرد. با همان شور و تعهد اجتماعی والا. این اواخر در مصاحبه با نشریه ای که گردانندگانش مروج تلویزیون‌الیسم هستند اعلام کرد که کماکان ایده های سوسیالیستی در زمینه عدالت را مرجع می داند و به سلامت تئوریک سوسیالیسم را باور دارد. این گفته با انتقاد کسانی مواجه شد که سایه را مانده در افکاری قدیمی می دانند و گرفتار در سودای نوستالژی.

نکته دیگر پیوند سایه بود با موسیقی. درباره موسیقی شعر خاص خود بسیار گفته اند، اما منظور در اینجا مشخصاً موسیقی به مثابه یک نوع هنری است. دوستی و پیوند ابتهاج با محمدرضا لطفی زمینه ساز ساخت تعدادی از زیباترین آهنگ ها و ترانه های موسیقایی ایران شد.

با مرگ او در ۹۴ سالگی ایران یکی از مهم ترین شاعران و شماییل فرهنگی اش را از دست داد.



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد:

تفاهم‌نامه با وز ار‌تخانه‌ها برای اجرای ۱۳ دستور رئیس‌جمهور

آغاز جنگ سرخابی‌ها علیه صداوسیما



نامه فیفا درباره حضور بانوان،

لیگ را بدون تماشاگر کرد



شنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۱ / شماره ۳۳۹۴ / صفحه ۵۰۰۰ تومان

«امتیاز» آغازهای منچستر یونایتد در دوران پسا فروگوسن را بررسی کرد؛

به باد رفتن آرزوهای تن‌هاخ‌روی نیمکت یونایتد؟

«امتیاز» در مورد ورود رسمی رمزارز

به تجارت کشور گزارش می‌دهد؛

قراردادهای هوشمند در بستر بلاکچین

برگزاری جلسه شورای سیاست‌گذاری تئاتر فجر:

بیشتر آثار «تئاتر فجر ۴۱» تولیدی خواهد بود

اجازه حذف بیمه را نمی‌دهیم

آغاز طرح کاهش مشکلات

شنوایی و گفتاری کودکان در کشور

وزیر نفت: فرآورده‌های نفتی

تحریم ناپذیر است

مستطیل سبز

آغاز جنگ استقلال و پرسپولیس علیه صداوسیما

دو باشگاه استقلال و پرسپولیس با ارسال نامه سرگشاده ای، از صدا و سیما خواستند برای پخش و بازپخش بازی های این دو تیم مجوز کتبی بگیرد! مدیران عامل دو باشگاه استقلال و پرسپولیس برای گرفتن امتیاز از تلویزیون متحد شدند. گرفتن حق پخش واقعی از صداوسیما یکی از آرزوهای تیم‌های لیگ برتری است. در تمام دنیا حق پخش تلویزیونی بزرگترین منبع درآمد باشگاه‌های فوتبال است. اما در ایران به دلیل ساختارهای عجیب و غریب حاکم بر رسانه ملی و فوتبال کشور تا کنون حق پخش واقعی به تیم‌های فوتبال داده نشده. اکنون و چند ساعت پیش از آغاز لیگ برتر دو باشگاه استقلال و پرسپولیس در نامه‌ای مشترک خطاب به پیمان جبلی رئیس سازمان صدا و سیما خواهان رعایت برخی از حقوق حقه دو باشگاه شدند. در این نامه ضمن اشاره به توافقات دو باشگاه با سازمان لیگ جهت پهرمیداری از ظرفیت‌های رسانه‌ای دو باشگاه و واگذاری دو باشگاه به مردم در فرابورس و جهت جلوگیری از تضییع حقوق سهام‌داران، از جلی رئیس سازمان صدا و سیما موارد زیر به طور مشخص درخواست شده است:

- عدم پخش گزیده بازی‌ها و گل‌های به ثمر رسیده دو تیم در بخش‌های خبری و برنامه‌هایی مثل فوتبال برتر، شب‌های فوتبالی، ورزشگاه و...
- عدم پخش زنده یا غیر زنده بازی‌های دو تیم در پلتفرم تلویویون و تلویزیون‌های اینترنتی در پایان این نامه آمادگی دو باشگاه جهت مذاکره در راستای واگذاری حقوق ذکر شده به صدا و سیما در ازای تحصیل منافع برای باشگاه‌ها اشاره شده است.

مصطفی آجورلو و رضا درویش قانع شده اند فعلا امکان دریافت پول بابت حق پخش تلویزیونی را ندارند ولی می خواهند بابت آن دسته از محتوای برنامه های ورزشی تلویزیون که به استقلال و پرسپولیس مربوط است از صدا و سیما پول بگیرند.



ویژه

آیین گرامیداشت روز خبرنگار در تالار وحدت

آیین گرامیداشت روز خبرنگار با عنوان «روایت اول» ساعت ۱۱ روز یکشنبه ۲۳ مردادماه با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و اهالی فرهنگ و رسانه در محل تالار وحدت تهران برگزار می‌شود. سخنرانی شامی از چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته فرهنگی و رسانه‌ای و برگزاری نمایشگاه عکس عاشق‌پری از جمله برنامه‌های جانبی این مراسم خواهد بود. همچنین قرار است از خانواده خبرنگاران درگذشته بر اثر ویروس کرونا و مقام شهید «شیرین ابوعاقله» نیز تجلیل بعمل آید. معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از عموم خبرنگاران، مدیران و فعالان رسانه‌ای دعوت بعمل می‌آورد با حضور گرم خود، رونق بخش این محفل فرهنگی و رسانه‌ای باشند.



یادداشت

در سوگ سایه



ناصر نوریزی

شاعر وطن پرست و آزاده ایران، در غم غربت و دوری از زادگاه مادری خویش چه غریبانه ما را تنها گذاشت.

سایه رفت ... مگر می‌شود بی‌سایه ماند، هر چه فکر می‌کنم ذهنم نمی‌کشد، ابتهاج، سایه حقیقی ادبیات ایران بود. شعر و ادب پارسی بدون او چگونه می‌تواند باشد؟ چه غریبانه رفت... انگار سالها پیش سرنوشت غمبار غربت خود را در ارغوان می‌جست ... «ارغوان، شاخه همچون جدا مانده من آسمان تو چه رنگ است امروز؟ آفتابی است هوا؟

یا گرفته است هنوز؟»

من در این گوشه که از جهان بیرون است آفتابی به سرم نیست... آری این همه سالیان دراز... غم دوری وطن او را رها نکرد ...

... تقسم می‌گیرد که هوا اینجا زندانی است ره چنان بسته که پرواز نگه در همین یک قدمی می‌ماند...»

سایه! در عمر پر بار خود، هر چه سرود، در مرثیه تنهایی خود و هبوطاناش بود... «... اندر این گوشه خاموش فراموش شده کز دم سردش هر شمع خاموش شده باد رنگینی در خاطر من گریه می‌انگیزد ارغوانم آنجاست ارغوانم تنهاست...»

شاعر وطن پرست و آزاده ایران، در غم غربت و دوری از زادگاه مادری خویش چه غریبانه ما را تنها گذاشت، او درد های جانکاه خود را با بغض تکان دهنده ای به مخاطبان خود منتقل می کرد،... ابتهاج را شد... ما مانديم و ادبياتی که مهمترین رکن هويت شعر ایران را از دست داده است، سوگ ما نه در نبود سایه، نه برای رفتنش ... که به طور قطع برای این است که سرزمین ایران باید سالهای بسیار درازی در انتظار ظهور عاشقی دیگر در اندازه های ابتهاج سپری کند ...

خوشا به حال لطفی و استاد شجریان! مبارکتان باشد بار دیگر جمعتان جمع شد... بار دیگر محفلی عاشقانه بر پا شده... سایه عاشقانه می‌سراید... لطفی مستانه می‌نوازد... و صدای آسمانی شجریان نوازشگر، دلنواز روح های بلند و آزاده شده است...